

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۱۲۰۴۹۲۸۰۸۸۹۲۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

# شترت

پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ • ۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۲۸ • ۱۲صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۸ • اذان مغرب ۱۸:۲۳ • اذان صبح فردا ۴:۲۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

### یادداشت

## آغاز گفتمان وقاق روی تایتانیک

### علی پاکزاد

تبدیل شعار به گفتمان و مفهوم‌سازی و فرهنگ‌سازی از آن، آن هم برای نسل زد و آلفا، قدری سخت و گاه ناپاورانه به نظر می‌رسد؛ چه برسد به اهالی فرهنگ و نخبگان و… آن هم شعار وفاق ملی در دوره زندگی‌های

عاریتی. در تمام دنیا، گفتمان‌های مطلوب و رایج، منتج از نظام‌های مبتنی بر دانش و سازنده معنا هستند که در فرایند بازنمایی واقعیات، براساس روابط قدرت بر حسب فرهنگ، جنسیت و نژاد و گاه با حذف و طرد دیگری و منزلت‌بخشیدن به خود، به استقرار و استمرار روابط و مناسبات برابر یا نابرابر اجتماعی کمک می‌کنند. در ایران ما، گفتمان فرهنگی مسلط پیش از این دولت، طرد و حذف را تجربه و تجویز می‌کرد. بسیاری از نخبگان و هنرمندان بی‌توجه به یش و نشان و کرامتشان، از عرصه حضور منع شدند و بسیاری ناخواسته و خودخواسته به تبعید و انزوا تن دادند. دیگر نه امیدی مانده بود و نه تحقق آرزویی. از نسل جوان هم دیگر چیزی نمی‌گویی. فضای امنیتی دانشگاه‌ها که این روزها عارف، معاون اول دولت، از آن می‌گوید، گواهی است بر وضعیت نسل جوان.

خوشبختانه این دوران به سر آمد و حالا برمنبای وفاق ملی، گفتمان جدیدی در راه است، چرا می‌گویم در راه؟ از آن رو که گفتمان‌ها باید ساخته شوند، فرهنگ‌سازی و دامنه‌ای برای گسترش می‌خواهند؛ و البته توسط باورمندان، چند روز پیش به توصیه دوستی فیلم «زنوتشکنی» را می‌دیدم. فیلم «Кнесар» یک درام اجتماعی و سیاسی است که با ترکیبی از طنز، موسیقی و داستان‌های واقعی از زندگی در ایرلند شمالی ساخته شده است. این فیلم به کارگردانی کیث ارایلی و با بازی اعضای گروه موسیقی رپ ایرلندی ساخته شده است.

فیلم لایه‌های متعددی دارد؛ از جمله اشاره‌اش به ترومای بین‌نسلی، ایرلندی‌ها خیلی شبیه ما ایرانی‌ها هستند. فیلم اشاره ظریفی به این نکته دارد که ترومای بین‌نسلی براساس انژیدیسری جامعه از سیاست و ایدئولوژی و… منجر به تغییر فیزیولوژی افراد یک نسل می‌شود و خیلی از کارکردهای حسی، جسمی و روحی روزانه آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا ناکارآمد می‌کند. جالب‌تر آنکه یکی از رهایش‌های نسلی را از این مصیبت، زبان و کلام می‌داند؛ تا آنجا که در قالب موسیقی رپ می‌گوید هر کلمه یک گلوله است برای مبارزه.

تمام این مقدمه را گفتم تا برسم به گفتمان وفاق ملی رئیس‌جمهوری و تأکید وزیر ارشاد به گفتمان‌سازی اهالی فرهنگ در این مورد. اما تمهیدات لازم برای عبور از گفتمان سنتی دیروز به گفتمان مدرن و تحول‌خواه امروز چیست؟ شعارها زمانی تبدیل به گفتمان می‌شود که گوینده شعار، در راستای تحقق آن، پالس‌هایی به جامعه بدهد و گام‌هایی بردارد. بدون بالازدن آستین، جامعه چگونه صداقت را خواهد دید؟ آیا پیوسته‌های عدالت را خواهیم دید؟ آیا جامعه رأی‌دهنده نزد پزشکبان پرت‌تر از جامعه بدون رأی نخواهد بود؟ آیا اقلیت‌ها و زنان به آنچه می‌گویند دست خواهند یافت و اهالی فرهنگ خواهند توانست اندیشه‌های خود را علنی در هر کوی و برزن در معرض قضاوت خلق‌الله بگذارند؟ اگر پالس‌های روشنی از مقامات به جامعه برسد، به یقین گفتمان‌سازی که هیچ تمدن‌سازی هم آغاز می‌شود. هنرمندان و فرهنگی‌ها هم ناتفه جداباقته نخواهند بود. شاید آنها بیشتر از مردم در این چندساله له شده باشند اما… بگذریم، هر سال در جشنواره کن حضور می‌یافتم اما امسال با این وخامت اوضاع و تورم، شرایطش حاصل نشد. اما فیلم افتتاحیه را از دست نندادم و آن را دیدم. فیلم «پرده دوم (The Second Act)» ساخته کونتین دیوبو، روایتی از گفتمان‌سازی و آسیب‌های جامعه هنری بود. لئا سیدو در سکansı از فیلم به نوسان لندون می‌گوید: «توی تایتانیک تا لحظه آخر هنرمندا داشتن می‌نواختن. زندگی یعنی همین». و پاسخی با این مضمون می‌گیرد: «اون فیلم بود. ساخته جیمز کامرون. می‌خواست جا بندازه که هنرمندا خیلی قوین. اما زندگی واقعی که چیز دیگه است. تایتانیک دیگه چی؟ کشور روی هواست. دنیا روی هواست…» فیلم با نمایش ریل‌گذاری طولانی برای حرکت دوربین به اتمام می‌رسد. ده‌ها متر ریل‌گذاری بدون کارگردان، بدون بازیگر، بدون دوربین، آن‌هم در ناگجآباد!

بله آقای پزشکبان، زندگی واقعی یک چیز دیگه است… بله آقای صالحی مملکت روی…

زمانی زنده‌یاد ناصر تکمیل‌هامیون در جلسه‌ای، از آهنگین و زبیاپودن زبان فارسی خاطره‌ای بیان می‌کرد. او همراهِ دوستانش در خیابان شانژلیزه در کافه‌ای نشسته بودند و به روال معمول، با هم سخن می‌گفتند که گروهی فرانسوی در میز کناری آنها مجذوب آهنگ این شیرین‌سخنان می‌شوند و از آنها می‌پرسند شما از کدام دیارید که چنین موسیقایی و موزون سخن می‌گویید.

شاه شمشادقدان خسرو شیرین‌دهان/ که به مژگان شکند قلب همه

صف‌شکنان // مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت/ گفت ای چشم و

چراغ همه شیرین‌سخنان.

زمانی که روز ۲۷ شهریور با عنوان بزرگداشت سیدمحمدحسین شه‌ریار و روز شعر و ادب فارسی در شورای فرهنگی عمومی و سپس، شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و اعلام شد، برخی از دانشمندان و اندیشمندان و ایران‌دوستان ترجیح می‌دادند در این زمینه، از شاعران قدیم و از نسل اول مانند رودکی و فردوسی نام ببرند؛ درحالی‌که این انتخاب در نسبت با زمانه جنبه‌های گوناگونی را در نظر داشت. در میان شاعران معاصر، که به سبک قدما شعر می‌سرودند، شه‌ریار و شعر او بین نخبگان و مردم کوچه‌وبازار محبوبیتی چشمگیر داشت:

«علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سبایه هما را…» یا «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا // بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا…» و از این قبیل. از سوی دیگر، او با استادان بنام آواز و موسیقی از جمله حسین تهرانی و صبا هم دوستی نزدیک داشت و ده‌ها نفر از برجستگان هنر آواز اشعار بسیاری از او را استادانه خوانده‌اند؛ زنده‌یاد بنان، خواننده سرود ماندگار «ای ایران» که ۸۰ سال پیش، او همچنین با شاعران بزرگ معاصر چون نیما و ابتهاج آموشد فراوان داشت؛ نیز استاد شه‌ریار نماینده خدمات مؤثر دانشمندان، ادیبان و شاعران خرد آذربایجان دربارهِ فرهنگ معاصر و خدمت‌گسترده آنها به فرهنگ و هنر ایران است؛ پر بیراه نیست که بگوییم نه‌تنها استاد شه‌ریار که شاعری بزرگ بود، دیگر اندیشمندان و عالمان آذربایجان هم به اهمیت زبان فارسی به منزله زبانی ملی و فراقومیی بی‌برده بودند؛ از جمله پزشکی، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس برجسته معاصر، غلامحسین ساعدی که مطب او یاتوق روشنفکران زمانش همچون به‌آذین و



تالاب عنیک یکی از بزرگترین تالاب‌های کشور در منطقه چهار شهر رشت و دومین تالاب بزرگ استان گیلان است. این تالاب با مساحت ۴۴ هکتار و محیط ۸.۷ کیلومتر دارای چهار تالاب به هم پیوسته است که توسط جاده قطع شده است. پروژه احیا و پاماندنی تالاب عنیک رشت با لایروبی پهنه شماره سه و به وسعت ۹ هکتار درحال انجام است. عکس: مجتبی محمدی، ایرنا

# زبان عاشقی



احمد مسجدجامعی

آل‌احمد و پرویز شاپور بود و زندانیان سیاسی نیز برای مداوا به آنجا آمدوشد داشتند. آثار پرشماری در زمینه نمایش‌نامه، داستان، نقد، مقاله، یادداشت یا حتی تک‌نگاری از او برجای مانده و از آثار او فراوان فیلم ساخته و تئاتر اجرا شده و درباره آنها نقد و مقاله عرضه شده است؛ همچون نمایش و فیلم معروف «گاو». او با آنکه حتی تحصیلات خود در دانشگاه تبریز به پایان برد، در جایی با قوت و قدرت تمام بیان می‌کند زبان فارسی ستون فقرات یک ملت عظیم است و من می‌خواهم بارش بیاورم. هرچه از بین برود، این زبان باید بماند. او در جایی دیگر نوشته است به‌شدت به زبان فارسی می‌اندیشم و می‌کوشم نوشته‌هایم تمام ظرایف زبان فارسی را داشته باشد. همه آثار او به زبان فارسی بود و نشریه معتبر الفبا، که با پشتوانه معنوی او منتشر می‌شد، با رویکرد نقد، بررسی و تحلیل ادب و هنر فارسی به چاپ می‌رسید. او در مصاحبه‌ای گفته بود آلان بنده و سرکار که صحبت می‌کنیم، دقیقاً کلمات حافظ در ذهن من و شماس‌ت. ساعدی نه‌تنها در اینجا از حافظ نام برد، بلکه بنابر شواهدی، همواره دیوان حافظ همراه او بوده است.

ساعدی در جوانی دل‌داده دختری از همشهریان‌ش به نام طاهره کوزه‌گرانی (شاید هم کوزه‌کنانی) بود و چنان او را دوست می‌داشت‌که در یک نامه، سیصد بار نام او را با همان خط تحریری نستعلیق زیبا و غالباً بی‌خط‌خوردگی و شاید هم پاک‌نویس‌شده به تکرار و پشت سر هم نوشت که شاید مشابه آن را در فیلم «سوته‌دلان» علی حاتمی‌کم‌وبیش دیده باشیم. در آنجا بهروز وثوقی که عاشق دختری به نام اقدس شده است، نام او را بارها تکرار می‌کند و بنابر دیالوگ فیلم «خیم اقدس اقدس گرفته است». احتمالاً، حاتمی از ماجرای نامه‌نگاری ساعدی و طاهره حتی پیش از انتشار آنها اطلاع داشته؛ زیرا با آنها

## ۳۲.۲ میلیارد دلار

بانک مرکزی اعلام کرده است که ارز واردات تأمین شده و ۳۲.۲ میلیارد دلار به آن اختصاص یافته و برای تأمین کالاها اساسی و دارو سه‌م ۶.۹ میلیارد دلاری در نظر گرفته شده است. برای کالاهای تجاری و بازرگانی ۱۷ میلیارد و ۲۳۳ میلیون دلار و برای خدمات ۸۰۴ میلیون دلار تأمین ارز شده است.

«عمق راهبردی» حمایت از پلتفرم‌های داخلی

## درخواست ۵۵ هزار میلیاردی صداوسیما از آپارات!



سایت تولیدکننده را نمی‌دانند و ظاهراً «کارشناس» مربوطه حقوقی هم متوجه نشده است. برخی از مخاطبان بر این نظرنند که این همان نتیجه حمایت‌های خاص جریان‌های وابسته به دولت سایه معروف است که نهایتاً این‌چنین پلتفرم‌های داخلی را به شکل انتقام‌جویانه در منگنه قرار می‌دهد. از نکات جالب دیگر در این اسناد، ادعای به عملکرد ضعیف پلتفرم‌های وابسته به صداوسیماست که البته مقصر براساس این سند، فرق بین سایت «کاربرمحور» و



تالاب عنیک یکی از بزرگترین تالاب‌های کشور در منطقه چهار شهر رشت و دومین تالاب بزرگ استان گیلان است. این تالاب با مساحت ۴۴ هکتار و محیط ۸.۷ کیلومتر دارای چهار تالاب به هم پیوسته است که توسط جاده قطع شده است. پروژه احیا و پاماندنی تالاب عنیک رشت با لایروبی پهنه شماره سه و به وسعت ۹ هکتار درحال انجام است. عکس: مجتبی محمدی، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

### شاهنامه‌خوانی

## بهمن در نخجیرگاه رستم(۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

بهمن با خود گفت اگر فرخ اسفندیار با چنین یلی کارزار کند، تن خود را در جنگ رسوا خواهد کرد، بهتر آن است با او از در آشتی درآید، اگر پدر یا او بچنگد، آن یلی که می‌بیند، همه ایران را به چنگ خواهد گرفت. به همراهان خود آنچه را کرده بود و آنچه را دیده بود، بازگفت و سرانجام دل‌نگران از راهی دیگر به سوی رستم آمد. بهمن چون به نزدیک نخجیرگاه رفت، تهمتن را بدید. تهمتن از نزدیکان خود پرسید این جوان کیست، کمان می‌برد از گشتاسبیان باشد و آن‌گاه به همسراه زواره و فرامرز و هراتکه در نخجیرگاه بود، به پیشواز سوران از راه رسیده، رفتند. بهمن شستابان از اسب فرود آمده، خواهان درست‌تنی رستم شد. در پاسخ، رستم به او گفت تا نام خویش نکویسد، پاسخی از او نخواهد شنید. بهمن گفت: «من، بهمن؛ پور اسفندیار هستم». رستم مهروززانه او را در آغوش کشید و از اینکه راه درازی را برای دیدن او درنوردیده پوزش بسیار خواست و سپس همگی به جایی رفتند که رستم نشستگه ساخته بود. چون در کنار رستم بنشست، از سوی شاه و پدرش، رستم را درود فرستاد. آن‌گاه گفت اسفندیار به فرمان پدرش بر کناره هیرمند سرایرده زده و او بیامی از سوی اسفندیار آورده و امیدوار است رستم فرمان شاه را پذیرا شود.

رستم با فروتنی گفت: «نزد من فرمان شاه برتر از خورشید و ماه است. اکنون آنچه هست بخوریم پس آنکه به فرمان شاه بپردازیم». به فرمان رستم سرفه‌ای گسترده شد و نان نرم و گور بریان گرم آوردند و دستان پیر از گذشته‌ها، یادها کرد و زواره را نیز در کنار خود داشت. رستم گور را پیش روی گذاشت که هربار خوراک او یک گور درست بود و نمک بر آن بپاشاند و همچنان می‌خورد و بهمن را نیز به خوردن فرامی‌خواند، بهمن اندکی از آن گور بخورد و آنچه خورد یک‌دهم خوراک رستم نبود.

پهلوان سیستان بخندید و به او گفت آیا خوراک او این چنین اندک است، کسی که یک چنین خورشی دارد چگونه در دم هفتخوان رفته است و با چنین خورد و خوراکی چگونه در کارزار نیزه زده است. بهمن در پاسخ گفت که نژاد خسروان اندک خوراکند و از بسیار خوری پرهیز دارند. رستم بخندید و گفت مردانگی را نباید از مردان پنهان کرد. آن‌گاه جام زرینی را پر از باده کرد و به یاد آزادمردان یک دم فروکشید و جام دیگری به دست بهمن داد و گفت با یاد هرکس که می‌خواهد، آن جام را بنوشد. بهمن از نوشیدن بیم داشت و زواره دریافت آن بیم را. به همین روی خود جام خویش را درکشید و گفت: «ای بچه شه‌ریار، بر تو می‌گساری شاد باد». بهمن دل آزرده، آن جام از زواره بگرفت و همچنان در نوشیدن درنگ داشت. بهمن شیفته ستبری بازوان رستم شده، از خوردن و نوشیدن او در شگفت بود. پس از آن، همه نخجیرگاه را پشت سر گذاردند و سواره به سوی ایوان خاندان نیرم بازگشتند. در بازگشت بهمن پیام اسفندیار و خواسته گشتاسب را بازگفت.

رستم چون پیام اسفندیار را از بهمن بشنید، بر اندیشه شد که با این ناروا خواسته چه کند. به همین روی گفت: «آری، پیام اسفندیار را شنیدم، از دیدار تو دلشاد هستم، از سوی من پدر را بگو، هر آن کس روانش با خرد آشناست، چون خواسته‌ای دارد، به فرجام آن خواسته نیز می‌نگرد و آن‌که نامی بلند نباید سر بخدوبی داشته باشد و باید بر بنیاد خرد و داد رفتار کند، آن چنان که یزدان‌پرستان را شایسته است و باید از بدی پرهیز کند و هر سخنی را بر زبان نیاورد که اگر جان و روان کسی را از بیماید، کار بی‌سود گشته و به درازا می‌کشد.»

هر آن کس که دارد روانش خرد سرمایه کارها بنگرد بزرگی و کردی و نسام و بلند به نزد گرانمایگان ارجمند می‌گیتی بر آن سان‌که اکنون تویی نباید که داری سر بخدوبی

### ۶ برابر

چند روز پیش وزیر اقتصاد به واردات قهوه اعتراض کرده بود. حالا اعلام شده است قیمت قهوه در ایران، شش برابر نرخ جهانی است. قیمت دلاری هر کیلوگرم قهوه فوری ارزان‌قیمت، برای مصرف‌کننده نهایی ۲۷ دلار است، در صورتی که نرخ جهانی آن چهار یا پنج دلار است.

مدیر سایت دانسته‌اند، «تیرماه ۱۳۹۷ نیز صداوسیما از آپارات به دلیل انتشار محتوای تلویزیون از طرف کاربران شکایت کرده بود. مدیر مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل صداوسیما دو دلیل عمده را برای شکایت از آپارات برشمرد: نقض حقوق مالکیت فکری سازمان صداوسیما و اخذ نکردن مجوزهای لازم از سازمان صداوسیما برای فعالیت در عرصه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی.

همان موقع پلتفرم آپارات به اظهارات این مدیر صداوسیما چنین واکنش نشان داده بود: «مقررات مندرج ذیل سایت آپارات بیانگر این امر است که مسئولیت تخلفات احتمالی محتوای ویدئوی بارگذاری‌شده یا آپلودکننده آن است و مسئولیت سایت به‌طور خلاصه طبق قوانین و مقررات جاری محدود به حذف ویدئو از سایت به دستور مراجع قضائی و قانونی ذی‌ربط ازجمله کمیته مصادیق جرائم رایانه‌ای یا درخواست‌کننده‌ای است که حق کپی‌رایت او یا دیگر حقوق قانونی‌اش از سوی آپلودکننده نقض شده باشد. اما تاکنون سازمان صداوسیما با وجود حضور در کمیته مصادیق نه از طریق کمیته و نه راساً هیچ اخطار یا نامه یا درخواستی برای حذف ویدئویی که آن را ناقص حق کپی‌رایت خود می‌داند، به سایت آپارات ارسال نکرده‌اند. جالب آنکه تعدادی از شبکه‌های صداوسیما و برنامه‌های آنها راساً درخواست ایجاد کانال اختصاصی بر روی سایت آپارات را داشته‌اند.»